

سفر به شیراز

و دیگر شهرهای جنوبی

با اظهار نظرهایی پیرامون رفتارها،
آداب، رسوم و قوانین ایران

نوشته

ادوارد اسکات وارینگ

ترجمه

عبدالرضا کلمرزی - روحان کوشک قاضی



تهران، ۱۳۹۷

سرشناسه	وارینگ ادوارد اسکات	Waring, Edward Scott
عنوان و نام پدیدآور	سفر به شیراز - دیگر شهرهای جنوبی: با اظهار نظرهایی پیرامون رفتارها، آداب، رسوم و قوانین ایران/ نشر ادوارد اسکات وارینگ: ترجمه عبدالرضا کلمری، رضا صالحیان.	
مشخصات نشر	تهران: نامک، ۱۳۸۷	
مشخصات ظاهری	۲۱۶ ص: ۲۱/۱ × ۱۴/۱	
شابک	۶۷۲۱-۷۱-۲	
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.		
یادداشت	عنوان اصلی: Tour to Sheeraz, by the route of Kazroon and Feerozabad, ©2005.	
یادداشت	نمایه.	
موضوع	ادبیات فارسی - تاریخ و نقد.	
موضوع	Persian Literature - History and criticism	
موضوع	علوم - ایران - تاریخ - قرن ۱۲-۱۳ ق.	
موضوع	Science - Iran - History - 19th centuries	
موضوع	شیراز - سیر و سیاحت.	
موضوع	Shiraz (Iran) - Description and travel	
شناسه افزوده	کلمری، عبدالرضا، ۱۳۶۴، مترجم	
شناسه افزوده	صالحیان، رضا، ۱۳۵۲، مترجم	
رده‌بندی کنگره	DSR ۲۰۷۹ / ی ۷۶ و ۲ ۱۳۹۶	
رده‌بندی دیویی	۹۵۵/۶۳۲	
شماره کتاب‌شناسی ملی	۴۷۱۱۶۹۴	

این کتاب ترجمه‌ای است از
Tour to Sheeraz
by the route of Kazroon and Feerozabad
By Edward Scott Waring
Translated in Persian by
A. Kalmorzi and R. Salehian
Kooshk Ghazi, ©2005

نام: درزیا بهلولی به معنای کتاب و نامه است.

تلفن: ۴۱۷۰۲۶



مفربه شیراز

دیگر هرهای - نویی
با اظهار، لرهای پیرامون
رفتار، ادب، موم و قوانین ایران

نوشته ادوارد اسکات رینگ

ترجمه عبدالرضا کلمرزی، رضا ۱۴۰۰ چنوشک قاضی

طرح جلد: علی بخشی

نونه‌خوان و ویرایش تصاویر: مصطفی ذکرپور
حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هما (امید سیدک‌عمی)

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۷۷۰ نسخه

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۲۱-۷۱-۲ ISBN: 978-600-6721-71-2

همه حقوق برای این اثر محفوظ است
تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً به هر صورت
(چاپ، فتوکپی، الکترونیکی، صوتی)
بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد
دفتر فروش: ۶-۵۶۴۷۷۴۰۵ داخلی ۱

فهرست

۱۱	مقدمه مترجم
۲۶	یادآوری چند نکته در ترجمه
۲۷	معادل‌ها
۲۹	مقدمه مؤلف
۳۱	فصل اول: سفر دریایی به بوشهر، خلیج فارس، مازندران، شمال، باد شرقی، شهر بوشهر، تصاویر
۳۳	هندی، نسخه‌های خطی و غیره
۳۸	فصل دوم: حاکم بوشهر و پدرش، تجارت، شام ایرانی، اعزام به طالع‌بینی
۴۲	فصل سوم: روش مسافرت، احترام ایرانی‌ها به میجر مائرم و بیره
۴۴	فصل چهارم: حرکت به سوی شیراز، ده، حشم، باتلاق، عواید، بازجان، نهر گوگردی،
۴۶	گودال‌های نفت، جاده بد، مناظر زیبا، دو قلعه برفراز تپه، سیرانه‌های شهر بزرگ دریس،
۴۷	آداب و رسوم عجیب و غریب، یخ و برف، ظاهر کوه‌ها، قلعه یهودی‌ها، شهر کازرون
۴۹	فصل پنجم: توصیف یکی از وارثان نادرشاه، قدمگاه، تپه‌ای در آتش، دریا، زیباترین دشت ارزن،
۵۶	غار تهمراهی، راهدار، جاده بد نزدیک شیراز، ورود به شیراز
۶۰	فصل ششم: دریافت خلعت، وصف شیراز، گزارش‌های اروپایی‌ها، آب و هوا، اغراق بزرگ،
۶۰	بازار، مسجد
۶۵	فصل هفتم: پیشواز شاهزاده، ملکه، ملاقات حاکم، ادای احترام به او، هدایا، طمع حاکم
۶۷	فصل هشتم: باغ‌های ایرانی، وصف یک گفت‌وگو، حافظیه، فال گرفتن، تحریف اشعار حافظ،
۶۸	هفت تن، تصاویر سعدی و حافظ، آرامگاه سعدی، باغ دلگشا، باغ جهان‌نما، کلاه‌فرنگی،
۶۷	تخت قجریه

فصل نهم: شیوه اسکان پراکنده خدمه و سپاهیان در سفر، رفتار عوام در نهم ربیع الاول، باورهای	۷۳
مبالغه آمیز عوام درباره حضرت علی (ع)	۷۶
فصل دهم: بناها و گرمابه ها	۷۹
فصل یازدهم: صنعتگران، نقاشان، پزشکان	۸۲
فصل دوازدهم: نحوه گذراندن اوقات در ایران	۸۵
فصل سیزدهم: سرگرمی های ایرانیان	۸۹
فصل چهاردهم: لباس ایرانیان	۹۳
فصل پانزدهم: لباس زنان ایرانی	۹۶
فصل شانزدهم: محله های شیراز	۹۹
فصل هجدهم: نظم و آداب شیراز	۱۰۳
فصل هجدهم: تفریبات	۱۰۸
فصل نوزدهم: تجارت و ادب و آداب در ایران	۱۱۱
فصل بیستم: گمرک، مالیات و غیره	۱۱۳
فصل بیست و یکم: نیروی نظامی	۱۱۷
فصل بیست و دوم: عایدات	۱۲۱
فصل بیست و سوم: حکومت ایران	۱۲۷
فصل بیست و چهارم: پادشاه	۱۳۱
فصل بیست و پنجم: شخصیت ایرانیان	۱۳۵
فصل بیست و ششم: عزیمت از شیراز و برگشت به بوشهر از مسیر روزآباد	۱۴۰
فصل بیست و هفتم: شیوه شکار کردن ایرانیان	۱۴۲
فصل بیست و هشتم: اسب های عربی و ایرانی	۱۴۵
فصل بیست و نهم: درخت خرما	۱۴۷
فصل سی ام: دم داشتن	۱۴۹
فصل سی و یکم: وهابی ها	۱۵۷
فصل سی و دوم: روش محاسبه زمان	۱۵۹
فصل سی و سوم: سکه های رایج در ایران	۱۶۱
فصل سی و چهارم: حرکت به بصره	۱۶۳
فصل سی و پنجم: شهر بصره	

۱۷۳	پی‌نوشت‌ها
۲۰۵	منابع و مآخذ
۲۰۸	فهرست نام اشخاص
۲۱۲	فهرست نام اماکن

مقدمه مترجم

ترجمه سفرنامه وارینگ

سفرنامه وارینگ، به سبب یکی از اولین و مهم‌ترین سفرنامه‌هایی است که انگلیسی‌ها درباره ایران نوشته‌اند و بعدها نیز، هم در بین خوانندگان عام و هم خوانندگان حرفه‌ای و سیاحانی که از ایران دیدن کردند، توجه بسیار زیادی به خود جلب کرد. سردنيس رایت در کتاب انگلیسی‌ها در میان ایرانیان در مورد سفرنامه وارینگ و اهمیتی که به لحاظ تقدم در ایران‌شناسی و سفرنامه‌نویسی انگلیسی‌ها در ایران دوره قاجار دارد، می‌نویسد: «یکی از نخستین کتاب‌ها از این دست [کتاب‌هایی که منبع این سمندی برای مورخان در همه زمینه‌ها هستند]، از اسکات وارینگ دانشمند و پژوهشگری است که در دستگاه اداری بنگال در کمپانی هند شرقی خدمت می‌کرد... این کتاب که در سال ۱۸۰۷ منتشر شد، نخستین مطالعه جدی دوره قاجار از سوی یک انگلیسی است.»^۱

سفرنامه‌نویسان و سیاحان دیگری که بعدها از ایران دیدن کردند، به ارزش سفرنامه اسکات وارینگ اشاره کرده و در بسیاری موارد نه تنها از وی نقل قول کرده‌اند بلکه به نظر می‌رسد تحت تأثیر شیوه نگارش و تهیه مطالب وی قرار داشته‌اند. یکی از این افراد «گاسپار درویل» است که در سال‌های ۱۸۱۲-۱۸۱۳ م. / ۱۲۲۷-۱۲۲۸ ق. از ایران دیدن کرد. درویل در کتاب خود به اسکات وارینگ اشاره کرده و سفرنامه او را جزو دقیق‌ترین سفرنامه‌ها خوانده و از مطالب آن استفاده کرده است.^۲ قرابت مطالب سفرنامه درویل با سفرنامه اسکات وارینگ، نشان از تأثیرپذیری بسیار از اسکات وارینگ دارد. جیمز بیلی فریزر نیز که در سال‌های ۱۸۲۱-۱۸۲۲ م. / ۱۲۳۶-۱۲۳۷ ق. برای تهیه گزارشی در مورد

ایران به اقصا نقاط کشور مسافرت کرد نیز به سفرنامه وارینگ نظر داشته و از مطالب آن در نگارش سفرنامه‌اش بهره برده است. اینها نشان‌دهنده اهمیت سفرنامه وارینگ به عنوان یک کار جدی در عرصه سفرنامه‌نویسی و کسب آگاهی‌های دقیق در مورد جنبه‌های مختلف زندگی مردم و اوضاع کشور ایران است.^۳

اما به رغم اهمیتی که این سفرنامه، چه به دلیل تقدم و چه به خاطر گزارش همه‌جانبه و مشاهدات دقیقی که دارد، چندان‌که شایسته بوده در ایران به آن توجه نشده است. این سفرنامه به طرز کامل در سال ۱۸۱۳م به فرانسوی ترجمه شد اما تاکنون نه به زبان فارسی ترجمه شده و نه نقد محتوایی دقیق و درخوری پیرامون آن نگاشته شده است. البته پیش از این گلچینی از سفرنامه وارینگ را مهراب امیری در کتاب ده سفرنامه یا سیری در سفرنامه‌ها^۴ جهانگردان خارجی راجع به ایران ترجمه کرده است.^۵ دیگری، مقاله «درآمدی به سفر به شیراز»^۶ میرکایون و فیروزآباد^۷ است و نیز مقاله نه چندان درخوری که تحت عنوان «حیات اجتماعی شیراز»^۸ عصر فتحعلی‌شاه قاجار به روایت وارینگ در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسید.^۹ در دو مورد اخیر تنها به معرفی کوتاه و خلاصه‌ای از این سفرنامه در ارتباط با برخی از مسائل اجتماعی شیراز پرداخته شده است. اما کار مهراب امیری که از معرفی فراتر رفته و دست به ترجمه بعضی از فصول آن زده متأسفانه شتاب‌زده، ناقص و به صورت گلچین است. مترجم در بسیاری موارد چنان‌که می‌سته است در ترجمه دقت نکرده و گاه حتی معنی‌ای متفاوت از منظور نویسنده را در ترجمه وارد کرده است. نمونه‌های زیر برخی از معانی اشتباهی است که به دلیل شتاب‌زدگی و عدم دقت وارد ترجمه شده است:

مترجم در صفحه ۱۹۱ و در ذیل «لباس مردان ایرانی»^{۱۰} مرتکب این گونه ترجمه کرده: «آنان [مسلمانان] همچنین از پوشیدن تن‌پوش‌هایی که با ابریشم و شکر مخلوط شده نیز تا اندازه‌ای احتراز می‌نمایند ولی مقدار زیادی از این نوع پارچه از آن رات وارد ایران می‌گردد». در حالی که نویسنده نوشته است: «مسلمانان پوشیدن لباس‌های ابریشمی را حرام می‌دانند، اما برای گریز از حرام بودن آن مقداری پارچه نخی به آن اضافه می‌کنند. مقدار قابل توجهی از این نوع لباس (گرمسوت)^{۱۱} از گجرات وارد ایران می‌شود».

همچنین در صفحه ۱۹۲ چنین آمده است: «با اینکه حمام‌های ایران (صرف نظر از عدم نظافت) بسیار مجلل و زیبا هستند ولی من حیث المجموع مردم آن کشور بسیار کثیف می‌باشند، آنان به ندرت پیراهن‌های خود را عوض می‌کنند مگر آنکه احساس خطر نمایند»

در صورتی که نویسنده حرفی از مجلل و زیبا بودن حمام‌های ایران نژده و تنها نوشته است «استحمام در ایران بیش از آنکه عملی برای نظافت باشد برای تفریح است و لذتی تجملاًنه محسوب می‌شود. ایرانی‌ها به ندرت جامه خود را عوض می‌کنند و تا وقتی که دیگر نتوانی نزدیک آنها شوی آن را از تن در نمی‌آورند.» علاوه بر اشتباهات ترجمه‌ای، نقد دیگری که به ترجمه امیری وارد است، عدم دقت در ثبت صحیح اسامی جغرافیایی است که باعث بدفهمی متن می‌شود. برای مثال در صفحه ۲۰۰ کتاب امیری که درباره «تجارت و معاملات بازرگانی در ایران» است «مسلیپتام» هند^۱ به اشتباه به «موصل» عراق ترجمه شده است.

به رغم ایرادهایی که بر این ترجمه وجود دارد اما نمی‌توان از فضل تقدم مهراب امیری در ترجمه بخش‌هایی از سفرنامه مهم ادوارد اسکات و ارینگ چشم پوشید. امیری به اهمیت این سفرنامه می‌برد و بر آن دل‌نشین و لذا دست به ترجمه بخش‌هایی هرچند کوتاه، اما مهم از این سفرنامه دست زد و در دارسنامه‌های مهم دیگر، کتاب ده سفرنامه را در دسترس فارسی‌زبانان قرار داد.

مؤلف و سفرنامه وی

مؤلف سفرنامه سفر به شیراز؛ از مسیر کازرون و فیروزآباد عضو یکی از خاندان‌های معروف انگلستان در قرن هجدهم و نوزدهم میلادی است که با سه رو فعالیت در دستگاه اداری بنگال خدمات شایانی به حکومت پادشاهی انگلستان کردند. ادوارد اسکات و ارینگ، فرزند جان اسکات و ارینگ (۱۷۴۷-۱۸۱۹م)، سیاستمدار انگلیسی است که نماینده پارلمان انگلستان بود و مدتی نیز در مقام کارگزار سیاسی «وارن هاستینگ» خدمت کرد. جان اسکات و ارینگ، پدر ادوارد اسکات و ارینگ، یکی از پنج برادرزاده‌ای بود که همگی در دستگاه اداری بنگال خدمت می‌کردند و مقام‌های مهم نظامی و سیاسی دستند: ریچارد و ارینگ به مقام سرهنگ دومی رسید؛ سرهنگ ویلیام اسکات مدت‌های مدیدی مترجم فارسی فرمانده اوود^۱ بود و یکی از اولین مترجمان مقالات مربوط به جنگ به زبان فارسی و طرف مشورت بسیاری از مقامات کمپانی هند شرقی بود؛ دیگری سرهنگ جان اتان اسکات بود که در جنگ‌های انگلیسی‌ها با تپو سلطان و حیدر علی شرکت داشت و چهارمی میجر هنری اسکات، تحصیل‌کرده «وست مینستر» بود که هم به خاطر اقدامات برادران و هم فعالیت‌های نظامی و علمی خودش نزد انگلیسی‌ها احترام زیادی داشت.

جان اسکات وارینگ برادر بزرگ‌تر است که هم در دستگاه اداری بمبئی و هم در دستگاه اداری حکومت انگلستان خدمت می‌کرد. ادوارد اسکات وارینگ، مؤلف سفرنامه پیش‌رو، فرزند جان اسکات از همسر اول اوست. جان اسکات که سه بار ازدواج کرد از همسر اول خود، دو دختر و دو پسر به نام‌های «آنا»، «الیزه» و «ادوارد» و «چارلز» داشت. ادوارد نیز مانند پدر و عموها در بنگال اداری بنگال مشغول به خدمت شد.

ادوارد در کنار کارهای نظامی در تاریخ‌نگاری و سفرنامه‌نویسی نیز دستی داشت و به زبان فارسی مسلط بود. ادوارد تحت تأثیر خانواده و به ویژه عموی خود و نیز به خاطر تأثیر که بر زبان فارسی در ساختار اداری و سیاسی حکومت هند در قرن هجده و نوزده به فرسیری زبان فارسی علاقه‌مند شد و به ایران سفر کرد.^{۱۱}

انگلیسی‌ها، نه در دستگاه اداری بنگال یا در کمپانی هند شرقی فعالیت می‌کردند، به زودی دریافتند که برای اندن در شرق باید کشورها و مناطق پیرامون هند را بشناسند. یکی از مناطقی که شناخت آن برای حکومت انگلیسی هند ضرورت داشت ایران بود. ایران هم از لحاظ مرزی با هند مرتبط بود و هم از نظر فرهنگی حضوری پررنگ در شبه جزیره هند و کشورهای جنوب خلیج فارس داشت. زبان فارسی تا مدت‌ها زبان رسمی دستگاه اداری هند و همچنین کمپانی هند شرقی در تاجیکستان با هند بود. بنابراین شناخت ایران برای ماندن و تأثیرگذاری مفید و کارآمد حتماً اهمیت بود. بسیاری از نظامیان شاغل در هند، چه در نتیجه کنجکاو‌هایی که از طریق متون ادبی ایجاد شده بود و چه در نتیجه نیازهای سیاسی و نظامی در پی سفر به ایران بودند. البته باید برای نکته تأکید کرد که قریب به اتفاق سیاحان انگلیسی ایران در قرن نوزدهم، سیاحانی بودند که بنا به ضرورت و توصیه کمپانی هند شرقی به ایران می‌آمدند و بعد از بازگشت شرح سفر خود را می‌نگاشتند. جالب اینکه نظامیان و سیاستمداران بلندپایه انگلیسی در هند از جمله کرزون و گاداسدایت به این آثار توجه بسیار داشته و آنها را می‌ستودند.

اسکات وارینگ یکی از همین افراد بود که برای اقناع حس کنجکاو و صد البته اهداف سیاسی و نظامی در آوریل ۱۸۰۲ م. / ذی‌الحجه ۱۲۱۶ ق. عازم سفر به بوشهر شد. وی گرچه علت سفر خود را کنجکاو می‌خواند اما گزارش‌های دقیقی که در مورد مسائل حساس حکومتی ایران از جمله قدرت نظامی، شیوه حکومت‌داری، مالیات‌ها، جاده‌ها و جزئیات زندگی مردم در سفرنامه‌اش ارائه می‌کند حاکی از کنجکاو صرف نیست. علاوه

بر این اظهار نظرهای وی مبنی بر اعمال زور و در مواقع لازم بستن بندرگاه بمبئی به روی کشتی های عمانی و خلیج فارس با هدف سرکوب و انقیاد آنها، حکایت از بینش سیاسی و معماری وی در توصیف شرایط و موقعیت ایران دارد، که در ادامه به آن پرداخته می شود.

علاوه بر رویکرد معماری، وی نگاهی آکادمیک البته از نوع شرق شناسانه به مسائل دارد. اسکات وارینگ چون فردی نظامی است نه تنها مسائل ژئوپلیتیک را بررسی می کند، بلکه به حوزه های تاریخ نگاری، زبان شناسی، ادبیات و سفرنامه نویسی نیز وارد می شود. یکی از اماداتی که او به سفرنامه نویسان و گزارش نویسان اروپایی در مورد ایران دارد عدم آشنایی آن به زبان فارسی است.^{۱۲} سفرنامه شیراز با ارجاعات بسیار به سفرنامه های پیشین همراه است. شاین، دینر، الثاریوس، تاورنیه، برادران شرلی، کارستن نیبور، ونست و تونو از جمله نویسندگانی هستند که بسیار به آنها ارجاع می دهد.

سفرنامه وارینگ یکی از اولین و جدی ترین کارهای انگلیسی ها در مورد ایران است اما نقدهای فراوانی به آن وارد است. یکی از این انتقادات اظهار نظرهایی است که وارینگ در مورد ایران و ایرانیان کرده، در این خود مبنایی شد، تا دیگر نویسندگان و سیاحان اروپایی دیگر، به پیروی از وارینگ، ناخداگاه رفتار آن شوند. منظور ایجاد نوعی متون شرق شناسی است که در ایجاد و نگارش آن بعد از این دست اثر بسیاری گذاشت. چیزی که ادوارد سعید در کتاب شرق شناسی مطرح می کند و در چارچوب آن دست به تجزیه و تحلیل آثار شرق شناسان در مورد شرق و اسلام می راند. جالب اینکه نگاه سیاه و سفید، گزینشی و تحقیرآمیز اسکات در مورد برخی از رفتارها، ایران را از چشم هموطن او نیز مغفول نمانده است. سیردنیس رایت، مؤلف کتاب انگلیسیان در ایران راهانت آمیز بودن نوشته های ادوارد وارینگ سخن گفته است.^{۱۳} البته این بیان اهانت آمیز را می توان در نوشته های کسانی همچون جیمز بیلی فریزر و حتی لرد کرزون، که نوشته های منصفانه تری ارائه کرده اند نیز به وضوح یافت.

تاریخ نگارش کتاب

وارینگ در آوریل ۱۸۰۲/ ذی الحجه ۱۲۱۶ ق. به سوی بوشهر حرکت کرد، سفر او به بوشهر و شیراز چندین ماه طول کشید و در نهایت اول نوامبر به بمبئی بازگشت. چاپ اول سفرنامه در ۱۸۰۴ در هند منتشر شد و چاپ دوم آن در ۱۸۰۷، با اندک اصلاحاتی در لندن صورت

گرفت. اما براساس مطالب سفرنامه و تاریخ‌های مندرج در مقدمه و متن، به نظر می‌رسد که مطالب سفرنامه در یک دوره طولانی تر نوشته شده است. به عبارت دیگر، بخشی از مطالب قبل از سفر به بوشهر، قسمت اعظم آن در زمان سفر و بعضی قسمت‌های آن در بازگشت به هند نوشته شده‌اند. لذا این احتمال وجود دارد که تاریخ چاپ سفرنامه دقیقاً در ۱۸۰۴ و ۱۸۰۷ نباشد. وی در جایی از سفرنامه در ضمن نگارش سفر خویش، می‌نویسد که فتح‌علی شاه ۲۷ سال سن دارد. در این صورت اگر سال تولد فتح‌علی شاه قاجار ۱۱۸۶ ق. / ۱۷۷۲ م. بدانیم سال نگارش سفرنامه را باید ۱۷۹۹ م. بدانیم که این اشتباه است. مؤلف دو صحنه مدّت حکومت فتح‌علی شاه را هفت سال ذکر کرده، در این صورت نگارش سفرنامه را باید ۱۲۱۹ ق. / ۱۸۰۴ م. دانست که درست‌تر می‌نماید. اگر نتوان نگارش سفرنامه را به طور کامل در این مذكور دانست اما به ضرس قاطع می‌توان گفت که قسمت اعظم آن در این سال نوشته شده است.

دورویة تمدن بورژوازی غرب

برای درک گنّه مطالب سفرنامه و همچنین رویکرد امپراتوری انگلستان در قرن نوزدهم که سفرنامه نیز در ابتدای این قرن نوشته شده، لازم است کمی در مورد رویه‌های تمدن غرب توضیح داده شود و آنگاه دست به تحلیل سفرنامه بزنیم. یکی از عجایب فراز و فرود قدرت‌ها در طول تاریخ این است که شاید یک امپراتوری، پادشاهی یا قدرت در فراز باشد و در همان زمان اولین گنّه‌های اصلی فرود آن نیز ریشه دوانده باشد به طوری که در نهایت بعد از آن نتواند خود را جمع کند و برای درد خود درمانی مؤثر پیدا کند. با همین استدلال نیز باید برای دست‌یاز به اولین بارقه‌های قدرت گرفتن سلسله و یا به طور کلی هر جریان سیاسی، اجتماعی، نظامی و حتی خانوادگی سال‌ها و حتی سده‌ها عقب رفت و تمام مناسبات روشنمند و حساب‌شده‌ای را که این جریان و یا تفکر خاص در حیطه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، کاریزماتیک، خانوادگی و غیره پیموده است مورد مذاقه قرار داد تا به درک درستی از آن دست یافت.

اما یکی از تصادفات و یا اتفاقات عجیب دنیا این است که در یک سو، همزمان با اینکه یکی در فراز است اما اولین رگه‌ها و نشانه‌های سقوط آن شروع شده باشد و در سوی دیگر، کسی یا قدرتی در فرود باشد و هیچ محلی از اعراب نداشته باشد اما اولین بارقه‌های پیشرفت

و تغییر بنیادین در آن آغاز شده باشد که کمی بعد ظهور خواهد کرد. تصادف و یا موازی بودن این دو جریان، اما هر کدام در جهت مخالف، یکی دیگر از عجایب تاریخ است. متأسفانه به نظر می‌رسد که در جهان اسلام و مسیحیت حداقل در بسیاری از موارد چنین پدیده‌ای به وقوع پیوست.

سال ۱۴۵۳ م را به خاطر داشته باشید. در این سال لشکر عثمانی با نیروی عظیم خود توانست، مثل آواربر سرامپراتوری روم شرقی خراب شود و بر قدرت ۱۱۰۰ ساله آن فاتحه بخواند. قدرت سلطان عثمانی در این زمان چنان در فراز است که سلطان‌های پیشین به رغم آنکه فتح قسطنطنیه یکی از آرزوهای آنها بود و نتوانسته بودند آن را به منصه ظهور برسانند، بتوانست در عرض کمتر از دو ماه عملی کند و بر شهر پیروز شود. اما به همین صورت نباید سال ۱۴۵۳ را نیز فراموش کرد. تنها چهار سال بعد است که یکی از اتفاقات مهم جهان غرب که «روغ یک قرن» اتفاقات و رخدادهای بی‌شمار دیگر است نیز به وقوع پیوست. این اتفاق همانا تکه‌نظم است چاپ است که تحول بزرگی در عرصه علم و دانش و یا به تعبیری در «رویه دانش و کارشناسی تمدن غرب» به وجود آورد.

سده نوزدهم میلادی زمانی است که اروپا در تحول، یعنی فراز تمدن غرب با فرود تمدن شرق، اگر نگوییم تمام شرق، حداقل شرق خاورمیانه‌ای هردو خود را نشان داد. البته در کنار آن یک نمود غیر ملموس‌تر اما عمیق‌تر دیگر نیز به جریان بود. شکست‌هایی که قدرت‌های شرقی و خاورمیانه‌ای در برابر روسیه و غرب در سطوح مختلف خوردند وجه ظاهری آنها است. اما ضعف در شیوه‌های مدیریتی، امور آ‌ی مسائل امنیتی و تجاری، بی‌برنامگی‌های شهری و حکومتی و غیره از وجوه غیر ملموس این شب‌ماندگی جهان شرق در برابر غرب بود که به طور نسبی در سفرنامه‌های سیاحان و مترجمان غرب در شرق و به خصوص ایران که یکی از دغدغه‌ها و مقاصد مسافران غربی بوده نمود پیدا کرده است. از این لحاظ این سفرنامه و سفرنامه‌های مشابهی که در آن روزگار در ارتباط با ایران نوشته شده حائز اهمیت است.

در کنار این مسئله، رویه‌های مختلف تمدن غرب است که در این سده هردو به وضوح خود را نشان داد. عبدالهادی حائری در کتاب نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دورویه تمدن بورژوازی غرب به خوبی این دورویه تمدن غرب را شکافته است. وی این دورویه را یکی «رویه دانش و کارشناسی تمدن غرب» و دیگری «رویه استعماری

تمدن غرب» می‌داند که دست به دست هم دادند و توانستند به خوبی در برابر جهان واپس مانده عمل کنند:

«بدین سان، جهان بشریت در هنگامی که واپسین سال‌های سده ۱۸ را پشت سر می‌گذاشت و به سده نوزده گام می‌نهاد و خود را برای رویارویی با دورانی بسیار پرحادثه‌تر، فعال‌تر و پرکشاکش‌تر آماده می‌ساخت که دو جناح متمایز شاخه‌بندی شده بود ... [یکی] جناح پیشرفته که تمدنی دو رویه داشت ... [و دیگری] جناح واپس مانده که به دانش و کارشناسی جناح پیشرفته نیاز داشت ... در آن مقطع تاریخی سرزمین‌های پهناور اسلامی یکسره در حوزه واپس ماندگان قرار داشت ...»^{۱۴}

زینک علاوه بر آشنایی با زبان فارسی، نه تنها از کتاب‌های سفرنامه‌نویسان پیش از خود اطلاع داشته، آنها را مطالعه کرده بلکه به اذعان خویش بعضی از آنها را با خود به همراه داشته و با آنها مقایسه می‌کرده و می‌سنجیده است. او به طور مکرر به سفرنامه‌نویسان اروپایی که در دوره صفویه به ایران مسافرت کرده بودند ارجاع می‌دهد و صحت و سقم گفته‌های آنها را مورد داوری می‌نشیند. به طور مکرر از تاورنیه، ال‌تارنوس، شاردن و اسپنسر مثال ذکر می‌کند. بسته به سفرنامه‌های دانشمندانی همچون کارستن نیبور، ویلیام فرانکلین و جان فریدریش زولدر در حتی از آنها شواهدی دال بر درستی نظر خویش بیان می‌کند. دانویل، دکتر ونست، سروبیام جونز و غیره از جمله نویسندگانی هستند که بسیاری به آنها و مطالبشان دربارهٔ خلیج فارس اشاره می‌کند. بنابراین روش این سفرنامه‌نویس و البته سفرنامه‌نویسان غربی عموماً در ادامه اندیگر و تکمیل‌کننده نظرات پیشین است. این شیوه است که در نهایت می‌تواند به تدوین مطالب جدید و نظرات بکر منجر شود که خود کاری علمی است.

اما در مقام مقایسه هرچند ممکن است این مقایسه چندان صحیح نباشد، شیوه سفرنامه‌نویسی ایرانیان است. در حد دانش نگارنده، ایرانیان در این زمینه بسیار کم‌کار کرده‌اند و بین سفرنامه‌های نوشته‌شده کمتر می‌توان تداوم و تکاملی یافت. برای مثال سفرنامه‌هایی که در حوزه کرمان، بلوچستان و خلیج فارس از سوی ایرانیان نوشته شده به گونه‌ای است که گویی هیچ ایرانی دیگری دست به چنین کاری نزده و اگر زده، مؤلف به طور کامل از آن مغفول است. البته در بسیاری موارد واقعاً نویسندگان قبلی چیزی در دست نداشته و بر آن نقدی روا نیست اما در برخی موارد که منابع وجود دارد می‌بینیم که این شیوه

تداوم و تکامل مد نظر نبوده است. برای مثال عبدالحسین میرزا فرمانفرما که در مورد کرمان و بلوچستان سفرنامه‌ای نوشته است حتی به سفرنامه‌ای که پدرش فیروز میرزا نصرت‌الدوله، فرمانفرمای اول، در مورد همین ایالت نوشته اشاره‌ای ندارد و یا ممکن است اصلاً از آن بی‌خبر بوده باشد! البته در جای جای کتاب به اسم فرمانفرمای اول و ثانی اشاره‌هایی شده^{۱۵} و از اقدامات آنها از جمله عزل و نصب‌ها و در بعضی جاها تعمیر قلعه سخن به میان آمده اما اشاره‌ای به کتابی که در این زمینه نگاشته شده است وجود ندارد. گویا بخشی از سفرنامه عبدالحسین میرزا فرمانفرما در مورد کرمان و به ویژه محال رودبار جنوب، کهنوج، گلاشکرد و بشاگرد را دیگران برای وی جمع‌آوری کرده‌اند تا اینکه مشاهده مستقیم خود وی باشد.^{۱۶}

بله، اسکات برینگ از کنار هیچ تپه و مخروطه‌ای به سادگی نمی‌گذرد، در عوض اینکه کسی را برای تحقیق بفرستد شخصاً خودش این کار را برعهده می‌گیرد، خطر رفتن به مسیرهایی که برای خرد کردن این سخت بوده، به جان می‌خرد و حاصل مطالعات خویش را مکتوب می‌کند. کمتر کسی به نگاشتنی است که به ایران آمده باشد و نوشته‌ای از خود به یادگار گذاشته باشد. این دو وجه‌ها سمگی نشان از توجه به کشف، تحقیق و ارزش‌گذاری به علم و اندیشه است و از اهداف دیگری نیز برای این کشف و تفحص خویش داشتند که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

اما به همین صورت رویه استعماری تمدن غرب نیز در این سفرنامه به وضوح مشخص است و خواننده کنجکاو متوجه آن خواهد شد. همان‌طور که پیش از این درباره زندگی مؤلف گفته شد، وی در دستگاه اداری بنگال در کمپانی هند شرقی خدمت می‌کرد و این کمپانی در حقیقت با انضباط قوی‌ای که در هند ایجاد کرده بود توانست نام به گام پیش برود و حکومت هند را به صورت مستعمره انگلستان درآورد. شرکتی که در ابتدا ماهیت تجاری و اقتصادی داشت در نهایت وارد مسائل سیاسی شد و ماهیت سیاسی آن نیز به همان اندازه و حتی شاید بیشتر پررنگ و پررنگ‌تر شد. قرن هجدهم زمانی است که ماهیت تجاری کمپانی هند شرقی به سیاسی گرایید. آرنولد ویلسون، مورخ انگلیسی که در زمینه خلیج فارس پژوهش‌های ارزنده‌ای کرده درباره این تغییر رویه کمپانی هند شرقی به عنوان یکی از ابزارها و بازوهای مستعمره کردن بخشی از شرق چنین می‌نویسد: «کمپانی هند شرقی انگلیس از موقع تأسیس خود در سنه ۱۶۰۰ تا مدت چندین سال فقط جنبه تجاری

داشت و به مسائل دیگر کمتر می پرداخت لیکن از نیمهٔ اخیر قرن هفدهم سیاست آن تغییر کرد و امنای آن در اثر تجارب عدیده و پیش آمدهای متوالی مجبور شدند به تدریج جنبهٔ تجارتی کمپانی را کنار گذاشته و به اقدامات و عملیات خود، رنگ سیاسی بدهند.^{۱۷}

بنابراین در زمانی که سیاح مورد نظر، یعنی اسکات وارینگ در ایران سیاحت می کرد، کمپانی بیش از یک سده بود که سیاست خود را عوض کرده بود و در مسائل سیاسی به شدت دخالت می کرد. در همین راستا کارکنان و تصمیم گیران کمپانی به ویژه در بُعد نظامی و سیاسی به دنبال هرگونه آگاهی مفیدی بودند تا بتوانند از طریق دانش بیشتر دست بالا را در مذاکرات و تصمیم گیری ها داشته باشند. وارینگ به مسائلی همچون درآمدها، مالیات ها، عوارض، قشون و رقابت های سیاسی توجه نشان داده و آنها را در سفرنامه نوشته و حتی بی مهابا اظهار نظرهای استعماری خود را نیز بیان داشته است. کاش ایرانیان آن روزگار این سفرنامه را ترجمه می کردند، می خواندند و می دانستند که نگاه غربیان به مسائل جاری دنیا، منطقه و ایران چگونه است. اما ایران در آن روزگار چنان درگیر جنگ های روس بود که به دلیل جنگ به حال خویش رها کرده بود. اظهار نظر وارینگ دربارهٔ عدم به کار گماشتن بومی ها در سیاست های کلان به خوبی از سیاست استعماری انگلیسی ها پرده برمی دارد. وی به شدت با این ایده مخالف است که کمپانی هند شرقی در امور حکومت ها و مردم منطقه از نیروهای بومی ولو تمایل به انگلیس استفاده کند؛ زیرا به اعتقاد وی هر آن ممکن است نیروهای بومی در شایستگی مافوق خویش که انگلیسی است نفوذ کنند و از سر درون او آگاه شوند.

اسکات وارینگ نظامی ای بود که توجه بسیاری به مسائل اقتصادی و فرهنگی منطقه داشت و معتقد بود باید از همهٔ نقاط قوت در کنترل و وابسته کردن قدرت های منطقه ای به انگلستان استفاده کرد. در اظهار نظری دیگر پرسی از بررسی وضعیت اقتصاد مسقط و وابستگی آن به هند چنین می نویسد: «مسقط برای امرار معاش خود کاملاً به هند وابسته است و اگر زمانی مصلحت بدانیم بنادر خود را به روی کشتی های امام مسقط ببندیم این شهر به زودی به یک شهر صرفاً ماهی گیری افول خواهد کرد».^{۱۸} البته از درگیری و رقابت امام مسقط با برادرش نیز آگاهی به دست می دهد. همهٔ اینها در راستای اهداف استعماری انگلستان در منطقه بود که وارینگ و امثال وی به خوبی به آن آگاه بودند. در هند، انگلیس وارد جنگ های طولانی با خاندان میسوری و تیپو سلطان شد و به طور مستمر اختلافات

داخلی این کشور را تشدید می‌کرد. در اکثر بنادر به ایجاد تأسیسات نظامی و قلعه‌داری پرداخت و در جایی که نیازی به زور نبود به خوبی با رشوه، هدیه و تطمیع سیاستمداران برنامه‌های خود را پیش می‌برد.

دنیای تاریخ و جهان سیاست

یکی دیگر از نکاتی که در سفرنامه ادوارد اسکات وارینگ به وضوح می‌توان آن را یافت و البته در تحقیقات مربوط به اسلام و ایران و شرق نیز وجود دارد رابطه معنادار دنیای تاریخ با جهان سیاست است. سیاستمداران و نظامیان غربی که در ایران و شرق به فعالیت مشغول بودند در کارهای سیاسی چنان به تاریخ و فرهنگ مردم کشورهای دیگر می‌پرداخته‌اند که امروزه گاهی فعالیت‌های سیاسی آنها تحت الشعاع کارهای تاریخی و فرهنگی‌شان قرار گرفت در سورتی که ابتدا چنین نبوده است. در حقیقت، آنها کارگزارانی سیاسی بودند که به فعالیت‌های فرهنگی و تاریخی‌نگاری نیز می‌پرداخته‌اند.

مطالعه تاریخ کمپانی هند شرقی از منظر به خوبی از نقشی که مسائل فرهنگی و تاریخی در اجرای نقشه‌های سیاسی و اقتصادی آنها ایفا کرده پرده برمی‌دارد، در حالی که متأسفانه کمتر به این پیوند معنادار توجه می‌شود. اندک توجهی که به آن می‌شود تنها در بُعد استعماری است نه در ابعاد تاریخی و نقشی که شناخت تاریخ، فرهنگ و تمدن یک جامعه در سیاست‌های کلان تصمیم‌گیران کمپانی داشته است. در سده‌ای که حجم انبوه آثاری که در هند به زبان‌های انگلیسی و فارسی در مورد تاریخ و فرهنگ و زبان جمع شرقی نوشته شده حیرت‌آور است. این آثار مسلماً در زندگی سیاسی سیاستمداران انگلیسی در هند کاربرد داشته که به شدت از انجام آنها حمایت و حتی در هند چاپ می‌شده است. سفرنامه پیش رو نیز برای انگلیسیان هند نوشته شد و ابتدا به سال ۱۸۰۴ در هند چاپ شد و بعدها در سال ۱۸۰۷ با کمی ویرایش و غلط‌گیری دوباره چاپ شد.^{۱۹}

اکثر قریب به اتفاق کارکنان رده بالای کمپانی هند شرقی همگی یا خود مورخ بوده‌اند، یا کتابی در زمینه تاریخ و فرهنگ مردم ایران و شرق به صورت سفرنامه نوشته‌اند و یا با مورخی بزرگ در ارتباط بوده‌اند. ارائه گزارشی کوتاه در همین دوره زمانی سفرنامه پیش رو خالی از لطف نخواهد بود. سرگور اوزلی که از خانواده اوزلی معروف بود در سفر سیاسی خویش به ایران در سال ۱۸۱۰ م، ۱۲۲۵ ق. سر ویلیام اوزلی، شرق‌شناس معروف را به

همراه داشت، جان ملکم چند جلد کتاب هم در ارتباط با تاریخ ایران نوشت که تاریخ دو جلدی ایران، و طرح هایی از ایران وی معروف است. سِر هاردفورد جونز نیز دست به قلم بود و خاطرات وی موجود است. سِر ویلیام جونز شرق شناس معروف نیز در اواخر سده هجدهم در هند بود و راجع به تاریخ شرق و زبان های سانسکریت، لاتین و یونانی مطالعه و نظریه پردازی می کرد. ادوارد اسکات نیز هم سیاح بود و هم مورخ. وی علاوه بر سفرنامه جنوب ایران، کتابی در مورد تاریخ مهارت های هند نوشت که در ۱۸۱۰ نیز به چاپ رسید.^{۲۰}

به افساد نگارنده شکل گیری پلیس جنوب در ایران، در دهه دوم قرن بیستم، در حقیقت به خوب نبود بین تحقیقات تاریخی و فرهنگی را با جهان سیاست روشن می کند. اگر بخواهیم مسئله را کمی از گذشته پی بگیریم لازم است گفته شود از زمان رونق و شکوفایی بندر بوشهر دوره نادر شاه افشار، یکی از مشکلات و مسائل حیاتی ایالت فارس در راه تجارت جنوب به بحث جاده بوشهر - شیراز بوده است. دو مسیر اصلی بین بوشهر و شیراز استفاده می شد: یکی مسیر «شبه» برازجان، دالکی، کنار تخته، کمارج، دریس، کازرون، دشت ارژن به شیراز و دیگری «شبه» راهم، بوشگان، فراشبند، فیروزآباد، کوار به شیراز.^{۲۱} مسیر اولی مسیر اصلی یا جاده شاهی بهر - شیراز - بوشهر بوده است و مسیر دومی که به جاده «جزه» معروف است در زمان نا امنی جاده او از آن استفاده می شده است. چیزی که در ارتباط با این جاده ها مشخص است صعب العبور بودن بخش اعظمی از آن، نا امنی و عدم وجود امکانات رفاهی کافی در طول این مسیر حتی در دوره رونق بوشهر است. صعب العبور بودن این مسیر در قریب به اتفاق سفرنامه هایی که از ایران از خود به جای گذاشته اند بازتاب یافته است. کارستن نیبور، ادوارد اسکات و رینگ جلد بیلی فریزر، سِر جان ملکم و سرهنگ دوم لوئیس پلی همگی به نا امنی، راهزنی و صعب العبور بودن این مسیر اشاره کرده اند. به ویژه مسیر اصلی برازجان - کازرون - شیراز به طول ۲۱۹ کیلومتر که از کُتل (= گردنه) های صعب العبوری همچون کُتل پیرزن، کُتل دختر، کُتل کمارج و کُتل ملو می گذشته است.

آنچه در اینجا مطرح است و به بحث ما مربوط می شود این است که اکثر قریب به اتفاق سیاستمداران و حاکمان ایران و حتی حاکمان محلی فارس به جاده سازی و تأمین امنیت این مسیر چندان که بایسته است توجه نکردند و برای آن چاره ای نیندیشیدند. این

در حالی بود که در قرن هجدهم و نوزدهم سیاحان اروپایی بسیاری از این مناطق دیدن کردند، به جاده‌ها آشنایی پیدا کردند، از ایران و فرهنگ مردم آگاه شدند و از این مهم‌تر تمام مشاهدات تاریخی و جغرافیایی خود را نوشتند و آن را برای دیگران باقی گذاشتند. با افزایش روابط سیاسی و اقتصادی ایران و انگلستان در جنوب، آگاهی‌های تاریخی و فرهنگی که انگلیسی‌ها از ایران و به ویژه از جنوب حاصل کرده بودند به خوبی در خدمت سیاست‌های بعدی آنها قرار گرفت. یعنی زمانی که تجارت انگلستان به خاطر ناامنی‌ها و راه‌زنی‌هایی که در جنوب ایران و به ویژه در مسیر راه ارتباطی بوشهر به شیراز دچار اختلال شد، آنها مسئله تأمین امنیت راه‌های این دو مرکز مهم تجاری را مطرح کردند. ایران به دلیل مشکلاتی که در این راه دچار آن شده بود نتوانست امنیت مسیر ارتباطی را تأمین کند. انگلیسی‌ها در زمان توانمند با توافق روسیه، یک نیروی نظامی تحت نظارت خودشان در جنوب تأسیس کنند. طرح آن را در سال ۱۹۱۶ م. / ۱۳۳۴ ق. در بحبوحه جنگ جهانی اول به دولت محمدولی خان سپهسالار تقدیم کردند. کابینه و ثوق‌الدوله آن را به رسمیت شناخت و پلیس جنوب (اس. پی. آ.) تشکیل شد و تا ۱۹۱۹ م. در جنوب باقی ماند و دست به خودسری، جنایت و البته برقرار امنیت به نفع انگلستان زد. گرچه مسائل اقتصادی، سیاسی و نظامی در تشکیل پلیس جنوب ایران تأثیرگذار بود اما به اعتقاد نگارنده، آگاهی‌های تاریخی آنها از تاریخ و فرهنگ و جنبه‌های مختلف زندگی مردم ایران باعث موفقیت نسبی انگلیسی‌ها در دخالت‌های مکررشان در ایران بود.

با چنین درکی بود که انگلیسی‌ها در آن زمان و زمان‌های بعدی، سریع وارد رابطه با ایران می‌شدند، عهد می‌بستند و زمانی که شرایط اقتضا می‌کرد عهدنامه می‌شکستند و حتی طرف دشمن ایران را می‌گرفتند. تصمیم‌گیری‌های کلان در روابط دیپلماتیک با دیگری جز با شناخت از فرهنگ و تاریخ آن سرزمین امکان‌پذیر نیست. اروپایی‌ها عصر جدید به خوبی به این مسئله پی بردند و آن را نیز ترویج کردند، به طوری که کمتر کشور اروپایی را می‌توان در قرن نوزدهم و بیستم پیدا کرد که مرکزی به نام شرق‌شناسی، اسلام‌شناسی و ایران‌شناسی در دپارتمان‌های علمی خویش نداشته‌اند.